اشکال به لایه دوم سه‌می طبق معیار ایلوپ

(00:09)

در خاطرم هست که یکی از آقایان فرمودند توضیحی از شکل سه‌می در جلسه قبل مانده است؛ من یادم نیامد که چه فرمودند. اگر تشریف دارند، بفرمایند. در همان صفحه هم مطلبی را راسال فرموده اند؛ راجع به لایه ی دوم است؛ الف بود و ب و ج. به نظرم مطلبشان را در صفحه خط غروب فرستادند. وهمچنین متنی را به من دادند؛ پی جویی می کنند، ظاهرا اصفهان تشریف دارند. اشکال ایشان را فرستادند، من هم عبارت ایشان را سریع مرور می‌کنم.

فرمایش ایشان این است: در نرم افزار مُنظور احمد می گوید: قسمتی داریم که با تلسکوپ می توان پیدا کرد و با چشم دید، دو سوال مطرح است: یعنی اگر تلسکوپ نبود، اصلا امکان نداشت که دیده شود؟! یعنی تنها و تنها این است؟! سوال دوم؛ آیا این فرضیه علمی است یا امر ثابت شده واقعی است؟ خب ایشان حدود نصف صفحه توضیحاتی داده اند. آخر کار حرفشان این است: -اگر از وسط صفحه شروع کنیم لایه ج، و اگر از سر سه‌می شروع کنیم لایه دوم،- و كيف كان ظاهرا این محدوده نمی تواند نقض بر فقهائی باشد که قائل به عدم کفایت رویت با تلسکوپ هستند. مقصود ایشان این است.

فرمایشاتشان را من اندازه ای که در ذهنم هست، عرض می کنم: [آیا]اگر تلسکوپ نبود، امکان نداشت که دیده شود؟! از عباراتی که دیدم از ایلوپ نقل کرده بودند، او که حتی در لایه دوم هم ضمانت نمی دهد که اگر با تلسکوپ پیدا کردیم بتوانیم ببینیم. بلکه می گوید امکان دارد، ممکن هم هست که نبینیم. حرف او در این لایه دوم همین است؛ یعنی باید با چشم مسلح آن را پیدا کنیم و بعد با چشم غیر مسلح ببینیم؛ امکان به معنای امکان اعم را می گویند. یعنی می شود دید و غیر ممکن نیست.

ایشان فرموده اند: این که آقای محمد عوده این محدوده را در معیار خود -که نرم افزار ایشان است- حذف کرده اند، شاید نشان دهنده این است که این قسمت و این فرضیه را قبول ندارد. لذا سه تا کرده است؛ لایه اول با تلسکوپ، لایه وسط هم، قد یُری بالعین العادیة، و لایه سوم هم، یُری بسهولة است. آقای محمد عوده، همان طوری که عرض کردم سن هلال را هم حذف کرده است. سن هلال که ربطی به این ندارد که معیارها فرق کند. سن هلال متفق بین همه بود. می توانست سن هلال را بیاورد ولی این را هم حذف کرد. در نرم افزار عوده ظاهرش این است که دو لایه، یکی شده است. یعنی فقط یکی به تلسکوپ اختصاص دارد؛ آن هم با معیارهایی که تفاوت می کند. یک لایه وسط که قد یُری بالعین است؛ ممکن است دیده شود؛ حالا ای در لایه ای است که با تلسکوپ باید پیدایش کنید و ببینید، ای در لایه "ب" ایلوپ است که می گفت اگر شرائط فراهم باشد. ظاهرا این دو لایه را یکی کرده و گفته «قد یری بالعین»؛ ممکن است ببینند. یکی هم که به سهولت است. بنابراین این حذف کردن ایشان، دو لایه را یکی کرده است. چون یکی کرده و قد یری بالعین گفته، معلوم نیست که کلا قبول داشته باشد. چون این ها یک ضوابط ریز دارد.

ببینید امتیازی که آقای ایلوپ داشته، این است که حدود بیست و پنج سال است که ایشان محاسبه کرده است. هزار و نهصت و دون و هشت بوده. چیه این؟ این فرضیه ی علمی است؟ حدس زده؟ مثال چشم ما و جهاز دید ما را از نظر علمی و پزشکی با قطر هلال و نور محاسبه کرده؟ چه کار کرده که این ها را گفته؟ مالک معیار او در این چهار لایه چه چیزی بوده؟ تاریخش را گفته اند، یک چیز روشنی است. چیزی نیست مگر گزارش استهلالات. دسته بندی آن ها و ضابطه بندی کردنشان و بعد هم طبق فرمول آن ها و طبق متغیرهایی که اعمال می کنند و پارامترهایی که به نرم افزار می دهند، فقط گزارش های رؤیت هلال است.

مقاله‌ای از یکی از رصدگران ایرانی دیدم. اسم او الان یادم نیست؛ به نام «نقد معیار ایلوپ». ایشان در آن جا توضیح می دهند. می گویند تا سال هزار و نهصد و دون و هشت، همه معیارهایی که بود اصلا برای چشم عادی بود. این که می گفتند هلال را چه زمانی ببینیم، مربوط به چشم عادی بود. ایلوپ در بیست و پنج سال پیش اولین کسی بود که تفکیک کرد و گفت چشم مسلح و چشم غیر مسلح. ایشان اولین نفر بود. بعدا هم ماند و مدام ادامه دادند.

شاگرد: اولینش برای بیست و پنج سال قبل است؟

استاد: بله، شاید جلسه قبل هم گفتم تاریخ اولین نسخه نرم افزارش هست. آخرین نسخه آقای منظور احمد هم نسخه ششم است؛ شاید [سال] دو هزار و پنج بود. یعنی ایشان در سال دون و هشت معیار را ارائه داده، ایشان هم دیده خوب است که این معیار را در نرم افزار پیاده کند، آن زمان هم هنوز راس راپج بود. آخرین نسخه آن تحت راس است. لذا بعد از ویندوز هفتم نیاز داریم تا نرم افزار دیگری نصب کنیم تا بین این نرم افزارها موافقت ایجاد کند ولی در ویندوزهای قدیمی خوب اجرا میشه. ایشان توضیح می دهند که در آن سال این معیار را ارائه دادند. با فاصله کوتاهی هم آقای منظور احمد آن را به نرم افزار درآورد. ایشان چه کار کرده؟ با گزارش های مربوط به حدود صد و پنجاه سال پیش که جمع شده بود، از حدود هزار و هشتصد و پنجاه و خرده ای، گزارشات استهلال متراکم شده بود. قبل از ایلوپ موجود بوده؛ دو معیار برای استهلال عادی بوده. این آقای ایلوپ همه آن‌ها را دیده و به آن ها دویست و دون و پنج گزارش استهلال دیگر را اضافه کرد. گزارش‌هایی که خیلی رکورد دار بودند. بنابراین گزارش های صد و پنجاه سال را با دویست و دون و پنج گزارش اخیر جمع کرده و این معیار را ارائه داده.

شاگرد: آن صد و پنجاه تا چه فرقی با قبلی ها داشت؟

استاد: گزارش ها که فرقی ندارند. آخرین معیاری که ایشان اعمال کرده، معیار هندا است. بعد دویست و دون و پنج گزارش جدید را هم اعمال کرده و ضمیمه کرده، ایشان دیگر لحظه غروب را معیار قرار نداده است. به تعبیری که در این مقاله هست، ضابطه q می‌گویند. در جاهای دیگر مرتب می‌گویند پارامتر q. پارامتر q برای این آقای ایلوپ است. این پارامتر چیست؟ می‌گوید نگاه کنید بعد از اینکه شمس غروب کرد، مدت مکث هلال بعد از غروب شمس چقدر است. چهل دقیقه؟ نیم ساعت؟ بیست دقیقه؟ برای اینکه بگوییم چه زمانی ماه شرائط رویت پذیری را دارد، لحظه غروب را حساب نمی‌کنیم تا بگوییم هلال در لحظه غروب به چه صورت است. چهار نهم ِبعد از غروب را حساب می‌کنیم؛ نزدیک نصف. مثلاً اگر بیست و هفت دقیقه بعد از غروب، هلال مکث بعد از افق دارد، دوازده دقیقه بعد از غروب، این مربوط به ضابطه q است.

شاگرد: یک چهارم آن عدد را می‌گیریم؟

استاد: تقریباً نصف فاصله مکث است. چهار نهم است. نزدیک نصف است. این ضابطه ای است که ایشان می‌دهند. ایشان می‌گویند در این وقت رویت پذیر است. اما چرا اینطور ضابطه می‌دهند؟ ظاهراً دیده‌اند در وقت غروب خورشید، هلال ها در شرائطی هستند که اصلاً نورشان توانایی مقابله

با نور موجود در لحظه غروب را ندارد. لذا بعد از چهار نه‌م که حدود نصف زمان مکث‌ش است، تازه می‌بینیم آن شعاع و تابشی که از هلال می‌آید بر نور موجود در آسمان غلبه پیدا می‌کند. لذا ایشان آن لحظه را حساب کرده و ضابطه ارائه داده است.

پس ببینید این نه فرضیه علمی است و نه امر ثابت شده است. یک امر استقرائی است که متفرع بر گزارش‌های استهلال است. این معلوم باشد.

خب آیا کسی اینها را بعداً در کرده ای نه؟ تا جایی که من دیدم اینکه کسی این لایه‌ها را در صریح بکند، من ندیدم. اینها طبق این گزارشات نظمی داده‌اند؛ با فرمولی که به نرم‌افزار داده‌اند، آن هم محاسبه می‌کنند.

شاگرد: بخواهد در کند یعنی چه کار کند؟

استاد: یعنی بگوید ما قبول نداریم که جایی با چشم غیر مسلح حتماً دیده نشود، اگر با تلسکوپ آن را پیدا کنیم آن وقت با چشم غیر مسلح هم دیده می‌شود.

شاگرد: اگر براساس گزارش‌ها بوده، جای در کردن ندارد. اما اگر ما باشیم و این لایه، محل اشکال هست. چون ایشان دید متعارف را نگاه کرده. ولی وقتی می‌گوییم بالأخره می‌توان با چشم دید، یعنی یک نفر ولو ندار هست که یک حدّت چشمی دارد و می‌تواند ببیند.

استاد: یعنی ولو تلسکوپ هم نباشد.

شاگرد: بله.

استاد: اینکه قبل از تلسکوپ هم کسی رصد کرده باشد و بعداً طبق ضوابط علمی با مختصات سمای دقیقاً جای هلال را بگوید، بعداً هم برای دیگران هم خط بیانایی رسم کند، باید ببینیم. وقتی یک خط از چشم ما به هلال می‌رود، پیدا کردنش و نشان دادنش خیلی سخت است. اما اگر خط بیانایی را با دو شاخص مدت رسم کنند، آسان می‌شود. مثل تیراندازی در تفنگ است؛ یک مگسک دارد و یک شکاف دارد؛ اگر فقط مگسک داشته باشد، نمی‌تواند بزند. اگر هم فقط شکاف باشد، با آن هم نمی‌تواند بزند. لذا طوری است که دو نقطه دارد. این دو نقطه، یک خط درست می‌کند. وقتی شما با دو نقطه خط مستقیم تشکیل دادی آن وقت می‌توانی آن خط را ادامه بدهی و به نقطه سوم هم برسی. وقتی شما دو نقطه غیر از هلال را تنظیم کنید، کسی در دید خودش با این دو نقطه، خط مستقیم تشکیل بدهد، بعداً هم چون دقیقاً جای هلال را پیدا کرده‌ای، این خط مستقیم به هلال بخورد. این یکی از مهمترین راه‌ها برای این است که با تشکیل خط رویت، شما نقطه هلال را در مسیر این خط پیدا کنید. چشمش را تنظیم می‌کند، چشم او نقطه شروع است، دو نقطه دیگر هم بین هلال و چشم او هست، آن دو نقطه خط مستقیمی را تشکیل می‌دهد که از چشم او به هلال می‌رود. اگر اینها را با شاخص‌های ثابت معین کردی، هلال مشخص می‌شود.

خب آلآن اشکال ایشان این است که یک تهافتی در این هست. این امکان، ثبوتی است یا اثباتی است؟ اگر اثباتی است که تلسکوپ فقط برای پیدا کردن نیست؟ اگر ثبوتا قابل رویت است که می‌توانند ببینند. تلسکوپ هم یکی از ابزارها است. با این خط رویت هم به فرمایش ایشان، اگر یک چشم خیلی تیزی باشد می‌تواند ببیند. تلسکوپ در اینجا چه کاره است؟ اگر می‌تواند ببیند، خب اگر با تلسکوپ هم پیدا نکند، می‌تواند ببیند. اگر نمی‌تواند ببیند با تلسکوپ هم پیدا نکند، نمی‌تواند ببیند. توضیح این چیست؟ همانطوری که عرض کردم، اینکه کسی با اشکال علمی این را در کرده باشد یا نه، نمی‌دانم. البته خود ایشان با دو فقره توجیه کرده‌اند و جواب داده‌اند. جواب اولش که خوب است.

بازبینی #1
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 14:20:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 14:22:25 توسط ... .